



A Psychological Reading of the Book 365 Stories for the Nights of the Year

Based on Abraham Maslow's Hierarchy of Needs

Batool Qorbani¹,  Morad Esmaeeli^{*2}, Mona Alimadadi³

1. Master's student in Persian Language and Literature, Gonbad Kavous University
2. *Assistant Professor, Persian Language and Literature, Gonbad Kavous University
3. Associate Professor, Persian Language and Literature, Gonbad Kavous University

Article Info

ABSTRACT

Article type:
Research Article

Received:
17/12/2024

Accepted:
26/05/2025

One of the most important and effective means of fostering upward development and self-actualization in children is the use of storybooks. This study employs a descriptive-analytical method with an interdisciplinary approach to examine 365 Stories for the Nights of the Year through the lens of Abraham Maslow's hierarchy of needs. It seeks to answer how the various manifestations of the four foundational levels of Maslow's pyramid—which serve as prerequisites for self-actualization—are articulated within this collection. The findings indicate that physiological needs (e.g., food and sleep) appear most frequently, followed by safety needs (e.g., parental support, order, coping with fear); love and belonging needs (e.g., group acceptance, helping others, kindness, giving and receiving affection); and finally esteem needs (e.g., self-respect, self-esteem, being respected by others). These narrative depictions suggest that, by familiarizing children with these needs and guiding them beyond each level, the text may encourage their progression toward self-actualized personalities. Moreover, the child-friendly language and setting naturally facilitate this process, allowing young readers to empathize with the stories and internalize their lessons more deeply.

Keywords: children's story, 365 Stories for the Nights of the Year, humanistic psychology, Abraham Maslow, hierarchy of needs. Sheikhi.

Cite this article: Qorbani, Batool, Esmaeeli, Morad, Alimadadi, Mona. (2025), *A Psychoanalytic Reading of the Book 365 Stories for the Nights of the Year Based on Abraham Maslow's Hierarchy of Needs*. Interdisciplinary Research in Persian Language and Literature, Vol. 4, New Series, No.1, spring and summer 2025: pages:1-26.

DOI: 10.30479/IRPLI.2025.21345.1230



© The Author(s).

Publisher: Imam Khomeini International University

***Corresponding Author:** Morad Esmaeeli

Address: Assistant Professor of Persian Language and Literature,
Gonbad Kavous University

E-mail: m.esmaeeli21@gmail.com



خوانشی روان‌شناختی از کتاب ۳۶۵ قصه برای شب‌های سال

با تکیه بر هرم آبراهام مزلو

بتول قربانی^۱، مراد اسماعیلی^{۲*}، منا علی مددی^۳

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گنبد کاووس

۲*- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گنبد کاووس

۳- دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گنبد کاووس

اطلاعات مقاله چکیده

نوع مقاله:

یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین روش‌های بسترسازی درجهت سیر صعودی و خودشکوفایی در کودکان،

مقاله پژوهشی

استفاده از کتاب‌های قصه و داستان است. جستار حاضر، در پی آن است تا با روشی توصیفی - تحلیلی و

استفاده از رویکردی میان‌رشته‌ای، کتاب ۳۶۵ قصه برای شب‌های سال را براساس هرم آبراهام مزلو مورد

بررسی قرار دهد و به این پرسش پاسخ دهد که نمودهای گوناگون نیازی‌های چهارگانه هرم مزلو، که مقدمه-

دریافت:

ای برای رسیدن به خودشکوفایی است، به چه شکل‌هایی در این کتاب جلوه‌گر شده‌اند. براساس یافته‌های

۱۴۰۳/۰۹/۲۷

پژوهش بیشترین بسامد نیازهای فیزیولوژیک با مصداق‌هایی مثل نیاز به خوراک و نیاز به خواب، نیازهای

پذیرش:

ایمنی با مصداق‌های چون حمایت والدین، نظم، مقابله با ترس؛ نیاز به عشق و تعلق خاطر با مصداق‌هایی

۱۴۰۴/۰۳/۰۵

چون مورد پذیرش گروه بودن، کمک کردن و نوع دوستی، دوست داشتن و دوست داشته شدن؛ و درنهایت

نیاز به احترام با مصداق‌هایی چون احترام به خود و عزت نفس، مورد احترام واقع شدن در داستان‌های این

کتاب نمود یافته است که می‌توان امید داشت کودکان با آشنایی با این نیازها و فراتر رفتن از آنها، به سمت

دستیابی به شخصیتی خودشکوفا پیش بروند. همچنین زبان و فضای کودکانه سبب شده است تا این

بسترسازی به صورت طبیعی‌تر جلوه‌گر نماید و کودکان ضمن هم‌ذات‌پنداری بتوانند ارتباط هر چه بیشتر با

تعالیم کتاب برقرار کنند.

کلمات کلیدی: داستان کودک، ۳۶۵ قصه برای شب‌های سال، روان‌شناسی انسان‌گرا، آبراهام مزلو، هرم نیازها.

استناد: قربانی، بتول، اسماعیلی، مراد، علی مددی، منا (۱۴۰۴). *خوانشی روان‌شناختی از کتاب ۳۶۵ قصه برای*

شب‌های سال با تکیه بر هرم آبراهام مزلو، دوفصلنامه پژوهش‌های میان‌رشته‌ای زبان و ادبیات فارسی، سال چهارم،

دوره جدید، شماره اول، بهار و تابستان ۱۴۰۴: ۱-۲۶.

DOI: 10.30479/IRPLI.2025.21345.1230



حق مؤلف © نویسندگان.

ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

* نشانی پست الکترونیکی نویسنده مسئول: m.esmaeeli21@gmail.com

۱. مقدمه

یکی از گروه‌های بسیار مهم در هر کشور، کودکان محسوب می‌شوند و علت اصلی این مسئله نیز نقشی است که آنان در آینده هر کشور ایفا می‌کنند؛ افزون بر این، بی‌توجهی به آسیب‌های روان‌شناختی این قشر از جامعه در کوتاه‌مدت و بلندمدت اثرات منفی بسیاری در حوزه‌های فردی و اجتماعی خواهد داشت و جامعه‌ای که کودکان آن دچار آسیب‌های روان‌شناختی و مشکلات رفتاری شوند، نمی‌تواند سیر صعودی امیدوارکننده‌ای را طی کند و بی‌شک، سلامت آن جامعه به‌خطر خواهد افتاد. یکی از حوزه‌هایی که می‌تواند به بسترسازی برای سیر صعودی و خودشکوفایی در کودکان کمک کند، حوزه ادبیات است. بی‌شک جهان قصه و داستان، می‌تواند بهترین شکل ادبیات برای کودکان باشد.

با درک این مطلب که در حوزه ادب تعلیمی، یکی از وظایف آفریننده اثر ادبی آن است که به شیوه‌های مختلف و به‌شکل هنرمندانه، مفاهیم اخلاقی و تعلیمی را در بطن اثر خود جای دهد، ارائه مطالب تعلیمی از طریق قصه و داستان و به کمک شخصیت‌پردازی‌های منسجم و جذاب، یکی از شیوه‌های کارآمد در جهت رسیدن به این اهداف خواهد بود.

کتاب ۳۶۵ قصه برای شب‌های سال، مجموعه داستان برای گروه سنی الف و ب اثر مژگان شیخی (۱۳۸۶) است. این پژوهش در پی آن است تا با تکیه بر مجموعه مذکور به این پرسش که: نمودهای گوناگون نیازی‌های چهارگانه هرم مزلو، به چه شکل‌هایی در این کتاب جلوه‌گر شده‌اند، پاسخ دهد.

برای رسیدن به این مقصود و یافتن پاسخ‌هایی برای پرسش‌هایی از این دست، نیازمند بهره‌گیری از رویکردی بین‌رشته‌ای در حوزه‌هایی مثل روان‌شناسی و تربیت هستیم؛ رویکردی که با این گونه تفکرات نیز همخوانی و تناسب داشته باشد تا از دریچه و چشم‌انداز آن به بررسی هر چه بهتر نیازهای کودکان و مسیر حرکت به سمت شکوفایی آنان پرداخته شود. به همین سبب، نویسندگان این جستار، از نظریه انسان‌گرایی آبراهام مزلو، که در حوزه روان‌شناسی ارائه شده‌است، استفاده خواهند کرد. از نظر مزلو «تعلیم و تربیت راستین در ورای هر آموزشی باید به شکوفایی و فرد بهتری شدن، بیندیشد؛ در نقش تعلیم و تربیت، هدفی انسان‌گرایانه، هدفی است که صرفاً به انسان‌ها مربوط شود، درنهایت، خودشکوفایی یک فرد،

دست یافتن به کمال انسانی و رشد تا بالاترین سطح است که نوع بشر می‌تواند به آن دست یابد یا فردی خاص می‌تواند به آن برسد» (مزلو، ۱۳۷۴: ۲۳۰).

۱-۱. روش پژوهش

این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با رویکرد روان‌شناختی ابراهام مزلو انجام شده است. از این روی، در ابتدا رویکرد مزلو به صورت مختصر بیان می‌شود. سپس به معرفی مختصر کتاب ۳۶۵ قصه برای شب‌های سال پرداخته می‌شود و در پایان نیز، اصلی‌ترین مؤلفه‌های نیازهای چهارگانه، که به باور مزلو زمینه‌ساز دستیابی به شخصیت خودشکوفاست، در کتاب مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

۲-۱. ضرورت پژوهش

پژوهش‌های بسیاری پیرامون تطبیق آرای ابراهام مزلو با اندیشه‌های شاعران و عارفان این سرزمین صورت گرفته است که در آنها ضمن برشمردن ویژگی‌های افراد خودشکوفازمنظر مزلو با انسان کامل یا تعالیم عارفان و شاعران این سرزمین به این نتیجه رسیده‌اند که انسان کامل در عرفان اسلامی - ایرانی به نوعی با شخصیت خودشکوفازدیدگاه مزلو شباهت دارد و یا شباهت‌هایی در نگاه برخی شاعران با آرای مزلو وجود دارد. اما هیچ پژوهشی پیرامون بررسی ادبیات کودک ازمنظر مزلو صورت نگرفته است و چنین به نظر می‌رسد که ادبیات کودک را شایسته بررسی از این منظر ندیده‌اند؛ از همین رو، نبود پژوهش‌های کافی با رویکرد میان‌رشته‌ای هرم مزلو در ادبیات کودک، ضرورت این پژوهش را ایجاب می‌کند.

۳-۱. پیشینه پژوهش

سخی هرویانا^۱ (۲۰۲۲) در مقاله‌ای با عنوان «نظریه مزلو در باب پرورش شخصیت ازطریق ادبیات کودک»^۲ به ارتباط ادبیات کودک با شکل‌دهی شخصیت کودکان می‌پردازد و بر این باور است که نظریه مازلو به دلیل پرداختن به شخصیت و شیوه‌های بسترسازی برای شکوفاشدن آن، دارای هدفی مشترک با آثار ادبی است و به همین دلیل می‌توان شخصیت‌سازی در ادبیات کودکان را با این رویکرد مورد بررسی قرار داد.

1 Sakhi Herwiana

2 "Maslow's Theory on Building Character Education Through Children's Literature"

پریخ (۱۳۸۲) در مقاله «نقش ادبیات کودکان و نوجوانان در پاسخگویی به نیازهای آنان» به این نتیجه دست یافته‌است که مطالعه کتاب‌هایی که متناسب با نیازهای کودک هستند، نه تنها از بروز بسیاری از مشکلات روانی و شخصیتی در زندگی جلوگیری می‌کند، بلکه در صورت بروز آن‌ها چه بسا مشکل گشا نیز باشد.

رشتچی (۱۳۸۹) در مقاله «ادبیات داستانی کودکان و نقش آن در رشد تفکر»، با تأیید برنامه آموزش فلسفه برای کودکان، سعی دارد نشان دهد که استفاده از کتاب‌های ادبی کودکان در برنامه درسی یک ضرورت است و می‌تواند نقش به‌سزایی در پیشبرد تفکر کودکان داشته باشد. بنابراین باید به داستان‌های ادبی به‌منزله یک ابزار آموزشی نگاه کرد و داستان‌خوانی را جزء برنامه‌های اصلی کودکان در مدارس قرار داد تا کودکان بتوانند از طریق گفت‌وگو در مورد آن‌ها قدرت تفکر خود را بالا ببرند.

۲. مبانی نظری پژوهش

ابراهام مزلو (۱۹۷۰-۱۹۰۸) روان‌شناس انسان‌گرای آمریکایی که برای نظریه «سلسله‌مراتب انسان» یا همان «هرم مزلو» معروف است، «سلسله‌مراتبی از پنج نیاز فطری را معرفی کرد که رفتار انسان را انگیزخته و هدایت می‌کنند. این نیازها عبارتند از: نیازهای فیزیولوژیکی، ایمنی، تعلق‌پذیری و محبت، احترام و خودشکوفایی» (شولتز و شولتز، ۱۳۹۴: ۳۹۲). در این سلسله مراتب نیازها، نیازهای رده بالاتر ظاهر نمی‌شوند مگر آنکه نیازهای رده پایین‌تر لااقل تا حدودی ارضا شده باشند. مزلو معتقد است که «نیازهای فهمیدن و دانستن در اوایل زندگی - در اواخر دوره شیرخوارگی و اوایل کودکی - ظاهر شده و به‌صورت کنجکاوی طبیعی در کودک نشان داده می‌شود. عدم توفیق در برآوردن آن‌ها، مانند ارضا نشدن دیگر نیازهای سلسله‌مراتب مزلو زیان بار است و می‌تواند رشد و کارکرد کامل شخصیت را بازداري کند» (کرمی، ۱۳۹۶: ۱۵۲). نمودار سلسله مراتب نیازهای آبراهام مزلو را می‌توان به این صورت به‌تصویر کشید که نیازهای فیزیولوژیک در پایین‌ترین قسمت هرم و نیاز به خودشکوفایی در رأس هرم قرار می‌گیرد و نیازهای دیگر نیز بین این دو نیاز قرار دارند.



سلسله‌مراتب نیازهای مزلو

آموزش شخصیت به کودکان می‌تواند با استفاده از نظریهٔ مازلو انجام پذیرد؛ مازلو اساس نظریه خودشکوفایی خود را بر این فرض نهاد که هر کدام از ما یک ماهیت درونی دارد که خوب یا حداقل خنثی است (Maslow, 1962: 3). او استدلال می‌کند که چون این ماهیت درونی خوب یا خنثی است، بهتر است تقویت شود. از نظر مازلو رشد سالم فقط در جامعه‌ای امکان‌پذیر است که امکانات ضروری را فراهم کند و به انسان اجازه دهد خود آرزوها و درخواست‌هایش را برآورده کند و انتخاب‌هایش را انجام دهد. مازلو خودشکوفایی را مرحله‌ای معرفی می‌کند که در آن استعدادهای درونی انسان به تبلور می‌رسد و تمایلاتی فراتر از کمبودهای جسمی و روانی شکل می‌گیرد. وی ارزش‌های روحانی و معنوی را از وجود زیست‌شناختی ما جدا نمی‌داند (حیدری، ۱۳۹۳: ۴۹). به باور او تعلیم و تربیت راستین در ورای هر آموزشی باید به شکوفایی و فرد بهتری شدن، بیندیشد؛ تعلیم و تربیت باید در بستری رشد‌محور به جلو برده شود تا به هدف نهایی انسان که شکوفایی بالاترین توانایی‌های بالقوه ذاتی و روحی اوست برسد: «هدف نهایی آموزش به فرد کمک کند به بهترین وضعیتی که می‌تواند، برسد و واقعاً آن چیزی شود که عمیقاً بالقوه آن را دارد. آنچه ما رشد سالم می‌نامیم به معنای رشد در جهت رسیدن به این هدف نهایی است» (مازلو، ۱۳۹۸: ۸۱).

مزیت کاربرد نظریهٔ انسان‌گرایانه در آموزش این است که کودکان فعال و خلاق می‌شوند. در نظریهٔ مازلو، با کودکان به‌عنوان یک انسان کامل رفتار می‌شود و این‌طور نیست که آنها را به شکل ربات ببینند. نظریهٔ مازلو همانند دموکرات‌ها اصول و آزادی‌یادگیری را مطابق نظریات

کودکان بیان می‌کند. رویکرد یادگیری با استفاده از این نظریه حس امنیت آسایش و لذت را در کودکان ایجاد می‌کند تا توانایی‌های بالقوه و دستاوردهای شناختی آنان به‌درستی به دست آید (Sakhi Herwiana , 2022 : 355).

۳. معرفی کتاب

کتاب ۳۶۵ قصه برای شب‌های سال، اثر مژگان شیخی (متولد ۴ فروردین ۱۳۴۱) نویسنده و مترجم کودکان و نوجوانان است. حاصل بیش از سی سال کار ادبی او تألیف و ترجمه بیش از دویست و شصت عنوان کتاب است. کتاب ۳۶۵ قصه برای شب‌های سال، در ابتدا به‌صورت دوازده کتاب مجزا با عنوان سی قصه، سی شب، در بخش کتاب‌های بنفشه (واحد کودکان و نوجوانان مؤسسه انتشارات قدیانی) منتشر و راهی بازار شد. سپس به‌صورت یک جلد کتاب با عنوان ۳۶۵ قصه برای شب‌های سال منتشر شد. همچنین این کتاب به‌صورت چهار فصل نیز به بازار عرضه شد. چهار مجموعه ۲۶ تایی از این کتاب به زبان‌های ترکی و انگلیسی ترجمه شده است. تعدادی از داستان‌های این کتاب به‌صورت پویانمایی نیز درآمده است. بسیاری از قصه‌های این کتاب هر شب در شبکه دو سیما به‌صورت قصه‌خوانی تصویری نیز پخش شده است. برخی از جوایز کتاب عبارت‌اند از:

- برگزیده بیست‌وششمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ازسوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۷)
- کتاب برگزیده سومین دوره جایزه پروین اعتصامی (۱۳۸۷)
- کتاب برگزیده یازدهمین جشنواره کتاب سلام بچه‌ها و پوپک در بخش تصویرگری (۱۳۸۶)
- کتاب برگزیده فصل تابستان ۱۳۸۷ ازسوی معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- ترجمه و انتشار دو مجموعه ۲۵ قصه‌ای از این کتاب به زبان‌های انگلیسی و ترکی ازسوی انتشارات تیماس (Timas).

۴. بحث و بررسی

در این قسمت، چهار سطح از سلسله‌مراتب نیازهای مزلو که ارضای آنها پیش‌شرط خودشکوفایی است درخصوص کتاب ۳۶۵ قصه برای شب‌های سال واکاوی می‌شود.

۴-۱. نیازهای فیزیولوژیک

براساس هرم پیشنهادی مزلو برای نیازها، اولین سطح از نیازهای اساسی، نیازهای فیزیولوژیک یا جسمانی است. برخی از این نیازها عبارت‌اند از: گرسنگی، تشنگی و میل جنسی. بدون تردید قدرت غلبه این نیازهای فیزیولوژیک از همه نیازها بیشتر است. منظور از این بیان ویژه، این است که فردی که همه چیزش را در زندگی کاملاً از دست داده است، به احتمال قوی، انگیزش اصلی در وی می‌بایست نیازهای فیزیولوژیک باشد و نه هیچ چیز دیگر. شخصی که فاقد غذا، ایمنی، محبت و احترام است به‌طور قطع اشتیاق او نسبت به غذا قوی‌تر از هر اشتیاق دیگری است (مزلو، ۱۳۷۵: ۷۱). برای شخصی که گرسنه است، استعدادهایی که برای این منظور سودمند نباشند ساکن و بی‌حرکت و یا به عقب رانده می‌شوند. انگیزه برای سرودن شعر، تمایل به داشتن اتومبیل، تمایل به داشتن یک جفت کفش نو در حالتی از گرسنگی مفرط به دست فراموشی سپرده می‌شوند و یا در درجه دوم اهمیت قرار می‌گیرند؛ چرا که برای شخصی که به حد افراط و به‌طور خطرناکی گرسنه است هیچ دلبستگی دیگری جز غذا وجود ندارد (همان، ۷۲).

کودکان در مراحل اولیه زندگی خود به‌شدت وابسته به برآورده شدن نیازهای فیزیولوژیکی هستند. این نیازها نقشی اساسی در رشد جسمی و روانی آنها ایفا می‌کنند. تأمین غذای مناسب و آب سالم برای کودکان، نه‌تنها به رشد جسمی آنها کمک می‌کند، بلکه بر روی سلامت روانی و توانایی‌های شناختی آنها نیز تأثیرگذار است. کودکانی که به اندازه کافی تغذیه نمی‌شوند، ممکن است با مشکلات یادگیری و تمرکز مواجه شوند. داستان‌ها به‌دلیل جذابیت، قدرت تخیل و زبان و فضای کودکانه‌ای که دارند، می‌توانند بستری را فراهم کنند تا پیام‌های متن به‌صورت غیرمستقیم به کودک منتقل شود. در ادامه، به‌صورت مختصر برخی از نیازهای فیزیولوژیک و شکل برخورد با آنها در کتاب ۳۶۵ قصه برای شب‌های سال بررسی می‌شوند.

۴-۱-۱. نیاز به خوراک

تغذیه مناسب می‌تواند تأثیر زیادی بر سلامت روانی کودکان داشته باشد. غذاهای سالم می‌توانند خلق‌وخو و تمرکز را بهبود بخشند و به کاهش اضطراب و استرس کمک کنند. کودکان به خوراک نیاز دارند تا رشد کنند، انرژی لازم برای فعالیت‌های روزانه را تأمین کنند و سلامت کلی خود را حفظ کنند. آشنا کردن کودکان با انواع غذاهای سالم از سنین پایین می‌تواند به ایجاد عادات غذایی مثبت کمک کند. این عادات می‌تواند در بزرگسالی نیز ادامه یابند و به سلامت طولانی مدت آن‌ها کمک کنند.

داستان‌هایی که در آن‌ها به فواید غذاهای مختلف اشاره می‌شود، می‌توانند به کودک کمک کنند تا اهمیت تغذیه سالم را درک کند و از بهانه‌جویی‌های غذایی دست بردارد. مثلاً داستانی درباره اینکه چگونه یک غذای خاص باعث قوی‌تر شدن شخصیت اصلی می‌شود:

قصه «پشمک و عسل»، درباره یک خرس کوچولو به اسم پشمک است که هیچ غذایی را به غیر از عسل نمی‌خورد. او در تمام وعده‌های غذایی خود فقط عسل می‌خواهد و به غذاهای دیگر علاقه‌ای نشان نمی‌دهد. بسیار بهانه‌گیر و لجباز است. مادر او از این کار پشمک ناراحت می‌شود اما تصمیم می‌گیرد آن‌قدر به او عسل بدهد که پشمک از آن زده شود. پشمک به اشتباه خود پی می‌برد و در آخر قصه به مادرش می‌گوید: «همیشه یک کم عسل، بهتر از زیاد آن است» (شیخی، ۱۳۸۶: ۲۸۳).

در کنار تمام توصیه‌های لازم برای تأمین نیاز فیزیولوژیکی بدن در این مجموعه، ما با داستان‌هایی مواجه می‌شویم که در نكوهش پرخوری و مشکلات حاصل از آن نوشته شده‌اند:

داستان «الاغی که بستنی دوست داشت»، درباره دختری به نام مریم است که تصمیم می‌گیرد برای الاغی که در ساحل مسافر سوار می‌کند بستنی بخرد. الاغ خیلی از بستنی خوشش می‌آید. او هر روز جلوی بساط بستنی فروشی می‌ایستد و یک بستنی می‌خورد. یک روز الاغ تمام بستنی‌های آقای بستنی فروش را می‌خورد و دچار دل‌درد می‌شود و صاحبش برای درمان او یک جوشانده گیاهی آماده می‌کند و به او می‌گوید: «بیا بخور! تا تو باشی که یک چرخ‌دستی بستنی را نخوری!» (همان: ۴۰۳).

۴-۱-۲. نیاز به خواب

خواب کافی برای کودکان حیاتی است. خواب نه‌تنها به بازسازی انرژی بدن کمک می‌کند، بلکه برای فرایند یادگیری و حافظه نیز مؤثر است. کمبود خواب می‌تواند منجر به اختلالات رفتاری و مشکلات عاطفی شود.

داستان «پوری خواب‌آلود»، دربارهٔ دختر کوچکی به نام پوری است که شب‌ها خیلی دیر می‌خوابد. برای همین، صبح‌ها نمی‌تواند زود بیدار شود. او هر صبح با خماری و اخم از جایش بلند می‌شود و با وسایلش به‌تندی برخورد می‌کند، با عجله آن‌ها را آماده می‌کند و در نهایت هم دیر به مدرسه می‌رسد. یک روز وسایل پوری تصمیم می‌گیرند تا به او یک درس حسابی بدهند. ساعت زنگ نمی‌زند و پوری خواب می‌ماند. روپوش مدرسه، کتاب‌ها، کیف و کفش‌های پوری هر کدام به‌گونه‌ای رنجش خود را نشان می‌دهند. آن روز پوری خیلی دیر به مدرسه می‌رسد. او در راه برگشت از مدرسه به خانه، به حرف مادر فکر می‌کند: «اگر شب‌ها زود بخوابی، صبح هم زود بیدار می‌شوی و دیگر آن‌قدر خمار و بداخلاق نیستی» (همان: ۱۵۴). در نهایت، او تصمیم می‌گیرد به‌جز شب‌های تعطیل، همیشه زود بخوابد و فردا سروقت و با خیال راحت به مدرسه می‌رود.

در داستان «باز هم خواب ماندم»، گروهی از پرندگان وظیفه دارند هر صبح، موقع طلوع خورشید، با صدای آواز خود، حیوانات جنگل را بیدار کنند و نوید شروع یک روز جدید را بدهند. یکی از این پرنده‌ها خانم «سهره» است. اما او نمی‌تواند به موقع بیدار شود، پرندگان اعتراض می‌کنند و می‌گویند که ما دیگر منتظر تو نمی‌مانیم. سهره می‌گوید: «امشب زودتر از همیشه می‌خوابم. فردا حتماً صبح زود بیدار می‌شوم و به‌موقع می‌رسم» (همان: ۴۲۶) اما باز هم خواب می‌ماند و از گروه پرندگان آوازخوان طرد می‌شود. این قضیه خیلی او را ناراحت می‌کند و تصمیم می‌گیرد دیگر هرگز دیر از خواب بیدار نشود.

براساس سلسله‌مراتب نیازهای مازلو، اگر یک نیاز برآورده نشود یا به درجه‌ای از اشباع نرسد، نیاز دیگر سر بر نمی‌آورد. ما در این کتاب با داستان‌هایی مواجه می‌شویم که در آن‌ها، شخصیت‌های داستان به‌دلیل برآورده نشدن نیازهای فیزیولوژیکی نمی‌توانند وارد مرحله‌ای جدید از سلسله‌مراتب شوند و یا به‌دلیل مهم بودن نیاز فیزیولوژیکی، نیازهای دیگر بسیار کم‌رنگ یا بی‌ارزش می‌شوند.

در داستان «دردسر شانه‌به‌سر» هم، شانه‌به‌سر که رفته بود تا از باغ توت‌فرنگی مقداری توت‌فرنگی بخورد، گرفتار تله می‌شود. او با ترس کمک می‌خواهد، ولی هیچکس به او کمک نمی‌کند. ناگهان گنجشکی را می‌بیند و فریاد می‌زند: «کمک... کمک... خانم گنجشکه بیا و کمک کن!» گنجشک نگاهی به شانه‌به‌سر می‌کند و می‌گوید: «من نمی‌توانم به تو کمک کنم جیک‌جیک... گرسنه‌ام جیک‌جیک... باید دنبال غذا بروم جیک‌جیک» (همان: ۱۱۴) این را می‌گوید و از آنجا دور می‌شود. در این داستان هم غلبه نیاز فیزیولوژیکی بر گنجشک، او را از رسیدن به نیازهای مرتبه بالاتر، مانند همدلی و نوع دوستی، دور می‌کند.

۴-۲. نیازهای ایمنی

اگر نیازهای فیزیولوژیک نسبتاً خوب ارضا شوند، آنگاه مجموعه جدیدی از نیازها پدید می‌آیند، که می‌توانیم آن‌ها را به‌طور کلی جزء نیازهای ایمنی طبقه‌بندی کنیم (امنیت، سرپناه، ثبات، وابستگی، حمایت، رهایی از ترس، از نگرانی و آشفتگی، نیاز به سازمان، نظم، قانون، محدودیت، داشتن حامی مقتدر و الی آخر) (مزلو، ۱۳۷۵: ۷۴). این نیاز در کودکان مشهودتر است تا در بزرگسالان. یکی از دلایل ظهور آشکارتر واکنش در کودکان در برابر تهدید و خطر این است که آنان به هیچ‌وجه مانع از این واکنش نمی‌شوند، درحالی‌که، به بزرگسالان جامعه ما آموخته شده است که به هر قیمتی مانع از آن شوند (همان).

نشانه دیگر نیاز کودک به ایمنی این است که او آن نوع فعالیت‌های عادی و یا یکنواختی را ترجیح می‌دهد که آرامش او را بر هم نزنند. به نظر می‌آید او خواستار دنیایی باشد قابل پیش‌بینی، قانونمند و منظم. مثلاً بی‌عدالتی، بی‌انصافی و ناسازگاری در والدین باعث می‌شود کودک احساس نگرانی و ناامنی کند (همان: ۷۵). روبه‌رو کردن کودک معمولی با موقعیت‌ها یا محرک‌های عجیب، ناآشنا، و جدیدی که نتواند بر آن‌ها فایق آید، اکثر اوقات موجب واکنش احساس خطر یا وحشت می‌شود، درست مانند اینکه مثلاً برای مدتی کوتاه گم شده یا حتی از والدینش جدا شده باشد، و یا با چهره‌های جدید، موقعیت‌ها یا وظایف جدید، اشیای عجیب، ناآشنا، یا غیرقابل کنترل، بیماری و یا مرگ مواجه شده باشد (همان: ۷۶).

کودکانی که در یک خانواده پرمحبت و دور از تهدید رشد می‌یابند، در حالت عادی، از خود واکنش نشان نمی‌دهند. در چنین کودکانی واکنش احساس خطر اکثراً نسبت به موقعیت‌ها و اشیایی بروز می‌کند که بزرگسالان نیز آن‌ها را خطرناک می‌نامند (همان: ۷۷). اگر نیاز به

محبت از دوران کودکی ارضا شود افراد احساس عزت‌نفس می‌کنند و بزرگسالان خودشکوفایی می‌شوند که حتی در صورت تحقیر شدن از سوی دیگران احساس عزت‌نفس خود را حفظ می‌کنند (فیست و فیست، ۱۳۹۰: ۵۹۴).

نیاز به ایمنی به اشکال مختلفی در کتاب ۳۶۵ قصه برای شب‌های سال جلوه‌گر شده است که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

۴-۲-۱. حمایت والدین

دلبستگی ایمن و احساس امنیت در کودک زمانی ایجاد می‌شود که می‌آموزد می‌تواند برای برآوردن نیازهای جسمی و عاطفی خود به والدین خود تکیه کند. کودک می‌داند که در هنگام گرسنگی، تشنگی، ترس و ناراحتی، والدین در کنار آن‌ها هستند. این دلبستگی و احساس امنیت و احساساتی که نسبت به والدین دارند و از آن‌ها می‌گیرند الگوی روابطی است که در آینده ایجاد خواهند کرد و در تمام زندگی آن‌ها اثرگذار خواهد بود. آن‌ها در بزرگسالی، عموماً عزت‌نفس بالایی خواهند داشت و از نظر اجتماعی توانمند بوده و قادر به برقراری و حفظ روابط صمیمانه خواهند بود.

داستان «دم‌قرمزی»، دربارهٔ یک روباه مادر است که با فرزندش دم‌قرمزی زندگی می‌کند. دم‌قرمزی دشمن خود را نمی‌شناسد. خانم روباه از این قضیه بسیار نگران است. روزی او تصمیم می‌گیرد که دم‌قرمزی را با دشمن آشنا کند. به‌همین دلیل، او به دم‌قرمزی می‌گوید ممکن است روزی غذای دشمن شود. دم‌قرمزی می‌ترسد و از مادر می‌پرسد: «حالا باید چه کار کنیم؟». خانم روباه می‌گوید: «من تو را می‌برم و دشمن را نشانت می‌دهم تا او را بشناسی. بعد هم یادت می‌دهم که چطور از دستش فرار کنی». خانم روباه دم‌قرمزی را با سگ آشنا می‌کند و راه‌های فرار از آن را به دم‌قرمزی آموزش می‌دهد. البته، او در پایان داستان به دم‌قرمزی می‌گوید که: «یک راه هم این است که کاری کنی سگ اصلاً تو را نبیند. بله، بهترین راه این است که دشمن تو را نبیند و با او روبه‌رو نشوی!» (شیخی، ۱۳۸۶: ۹-۹۸).

داستان «خرس قطبی کوچولو»، دربارهٔ خرسی به نام سفیدبرفی است که با خانواده‌اش در یک جای دور زندگی می‌کرد. سفیدبرفی یک مشکل بزرگ داشت و آن این بود که از آب می‌ترسید. او نمی‌توانست شنا کند. مامان خرسه خیلی سعی می‌کرد او را توی آب ببرد و شنا یادش بدهد. او به سفیدبرفی می‌گفت: «محکم از پشت پشم‌های مرا بچسب». سفیدبرفی وقتی

پشم‌های گرم و نرم مادرش را چسبیده بود، خوشحال بود و می‌خندید. ولی وقتی پایش به آب می‌خورد، می‌ترسید و شروع می‌کرد به فریاد زدن. خواهرها و برادرهایش او را مسخره می‌کردند. اما مادر او را دل‌داری می‌داد و می‌گفت: «ناراحت نباش سفیدبرفی جان! بالأخره ترست از بین می‌رود و شنا یاد می‌گیری.» سفیدبرفی گریه می‌کرد و می‌گفت: «چه کار کنم؟ من خیلی دلم می‌خواهد شنا کنم. ولی اصلاً دلم نمی‌خواهد خیس شوم.» مادر به او گفت که خیس شدن اصلاً بد نیست و الآن آن‌قدر گریه کردی که حسابی خیس شده‌ای. سفیدبرفی تعجب کرد و گفت: «آره... صورتم خیسه... ولی... اصلاً ناراحت نشدم و سختم نبود... مامان می‌شود یک بار دیگر به دریا برویم!» و مادر همراه او به دریا می‌رود (همان: ۳۴۵).

کودکان برای رشد عاطفی و روانی خود به احساس امنیت نیاز دارند. این احساس معمولاً از محیط خانواده و روابط و دوستان نشئت می‌گیرد. وقتی کودکان در محیطی امن و حمایت‌شده بزرگ می‌شوند، می‌توانند اعتماد به نفس بیشتری پیدا کنند و به راحتی به کاوش و یادگیری بپردازند. کودکان باید یاد بگیرند چگونه با چالش‌ها و مشکلات روبرو شوند. آموزش مهارت‌های اجتماعی و عاطفی به آن‌ها کمک می‌کند تا در مواجهه با خطرات یا تنش‌ها احساس امنیت بیشتری داشته باشند. استفاده از داستان می‌تواند یک روش مؤثر برای آشنا کردن کودکان با نیازها ایمنی باشد. داستان‌ها به‌طور طبیعی جذاب هستند و می‌توانند مفاهیم پیچیده را به‌صورت ساده و قابل فهم ارائه دهند. وقتی شخصیت‌ها در موقعیت‌های مختلف با چالش‌های ایمنی روبه‌رو می‌شوند و راه‌حلی برای حفظ امنیت پیدا می‌کنند، کودکان می‌توانند رفتارهای مناسب را الگوبرداری کنند.

۴-۲-۲. نظم

آموزش نظم و انضباط در کودکان یکی از مهارت‌های اساسی است که به آن‌ها کمک می‌کند تا در زندگی خود موفقیت بیشتری داشته باشند. وقتی کودکان می‌دانند چه انتظاری باید داشته باشند احساس امنیت و راحتی بیشتری دارند. روال منظم روزانه به آن‌ها کمک می‌کند تا بدانند در هر لحظه چه کاری باید انجام دهند. با استفاده از داستان‌های ساده و جذاب می‌توانیم به کودکان نشان دهیم که چگونه نظم می‌تواند به زندگی بهتر و ایمن‌تر کمک کند. داستان‌ها به کودک کمک می‌کنند تا اهمیت نظم را در زندگی‌اش درک کند و بفهمد بدون نظم امنیت و آرامش به دست نخواهد آمد:

داستان «قهر اسباب‌بازی‌ها» دربارهٔ دخترکی نامرتب و بسیار بی‌نظم به نام گلدونه است. او همیشه اسباب‌بازی‌هایش را این طرف و آن طرف پخش می‌کند. هر شب مادر مجبور است اسباب‌بازی‌های او را جمع کند. اگر مادر این کار را نکند، اسباب‌بازی زیر پای بقیه می‌روند و آن‌ها زمین می‌خورند. یک روز مادر گلدونه یک جفت دمپایی آبی برای او می‌خرد. گلدونه خیلی آن را دوست دارد و همیشه از آن مراقبت می‌کند. بعد از چند روز، دمپایی‌ها هم مانند اسباب‌بازی‌ها جذابتی برای گلدونه ندارند و آن‌ها را توی حیاط پرت می‌کند. یک شب اتفاق عجیبی می‌افتد. گلدونه صدایی می‌شنود و بیدار می‌شود. دو خرگوش سفید که روی دمپایی‌هایش هستند از او می‌خواهند با آن‌ها به حیاط بیایند. گلدونه می‌بیند که تمام اسباب‌بازی‌هایش پخش‌وپلا هستند، آن‌ها بسیار سردشان شده و گریه می‌کنند. کتاب‌هایش مچاله هستند و به گلدونه می‌گویند: «از بس ما را این طرف و آن طرف پرت کرده‌ای، ورق‌ورق شده‌ایم. ورق‌هایمان کثیف و مچاله شده، جلدهایمان خراب شده است.» باقی اسباب‌بازی‌ها می‌گویند: «گلدونه، تو چقدر نامرتبی! چرا شب‌ها ما را در گنجۀ گرم و راحتان نمی‌گذاری؟» گلدونه ناراحت و خجالت‌زده می‌شود. اسباب‌بازی‌ها را به کمک دو خرگوش سفید جمع می‌کند و از آن شب به بعد، همیشه قبل از خواب، اسباب‌بازی‌هایش را جمع می‌کند و بعد می‌خوابد. پدر، مادر و مادربزرگ هم خوشحال‌اند که گلدونه دختر مرتب و منظمی شده است (همان: ۲۳۰).

داستان «من کجا هستم»، دربارهٔ یک سنجاب کنجکاو و بازیگوش به نام فندقی است. او در فصل زمستان، موقعی که همهٔ حیوانات در خواب زمستانی هستند، بیدار می‌شود و می‌خواهد کمی فندق بخورد. چون از گرسنگی خوابش نمی‌برد. فندقی از لانه بیرون می‌آید. ولی ناگهان سر جایش خشکش می‌زند. با شگفتی فریاد می‌زند: «وای خدای بزرگ... دنیا ناپدید شده... هیچ چیزی نیست!» او داد می‌زند و کمک می‌خواهد. هیچکس صدای او را نمی‌شنود. دندان‌های فندقی از ترس به هم می‌خورد. سیبیل‌هایش می‌لرزد. چون هیچ‌جا را نمی‌بیند، دمش را دورش حلقه می‌کند و می‌خوابد. گنجشکی او را بیدار می‌کند و به او می‌گوید: «... چرا اینجا خوابیده‌ای؟» فندقی از دیدن گنجشک خوشحال می‌شود و ماجرا را برایش تعریف می‌کند. گنجشک می‌خندد و به او می‌گوید: «نه، ناپدید نشده بود. آن چیزی که تو دیدی، مه بود.» فندقی با تعجب می‌پرسد: «مه؟» گنجشک جواب می‌دهد: «بله... بعضی وقت‌ها این‌طور می‌شود.

مه همه جنگل را می‌پوشاند و چیزی دیده نمی‌شود. این دفعه تو موقعی بیدار شدی که مه همه جا را پوشانده بود» (همان: ۳۷۶).

۴-۲-۳. مقابله با ترس

مقابله با ترس در کودکان موضوعی مهم و حساسی است. برای کمک به کودکان در مدیریت ترس‌هایشان، می‌توان از داستان استفاده کرد. اگر در متن داستان، چگونگی مواجهه با ترس آموزش داده شود، کودک به‌طور غیرمستقیم یاد می‌گیرد درباره ترس‌هایش صحبت کند و با الگوبرداری از داستان، چگونگی مقابله با ترس را فرا می‌گیرد و احساس شجاعت بیشتری پیدا می‌کند. همچنین داستان‌هایی که در آن‌ها فعالیت‌های گروهی انجام می‌گیرد، احساس امنیت اجتماعی را تأمین خواهند کرد.

در داستان «ساز روباه، آواز خروس»، خروس به دشت می‌رود و ناگهان روباهی سر راهش سبز می‌شود. خروس از ترس می‌خواهد فرار کند. اما می‌داند که فایده‌ای ندارد چون روباه تندتر از او می‌دود. پس بالای درخت می‌رود و با خود فکر می‌کند: «تا کی می‌توانم بالای این شاخه بمانم؟ ترس و فرار هم فایده‌ای ندارد. بدتر می‌شود و روباه مرا می‌گیرد و می‌خورد. باید همان‌طور که او کلک می‌زند، من هم به او کلک بزنم.» بعد به روباه که مشغول نواختن نی لبک است تا خروس را فریب دهد، پیشنهاد می‌دهد که روباه عزیز تو نی لبک بزن، من هم برای آواز بخوانم. روباه از این پیشنهاد استقبال می‌کند و شروع به دمیدن در نی لبک می‌کند. خروس هم با صدای بلند آواز می‌خواند. آواز او به گوش ننه گل‌نسا می‌رسد. او با خود می‌گوید: «الآن که وقت قوقولی قوقو کردن خروس نیست. نکند توی دردرس افتاده باشد!» و با دیدن روباه با چوب دستی به طرف آن می‌دود (شیخی، ۱۳۸۶: ۳۳۳).

علاوه‌برآن، شناسایی خطرات احتمالی باعث خواهد شد که کودک با چگونه ایمن‌تر زندگی کردن آشنا شود، و به‌طور طبیعی از خطرات دوری کند. این داستان‌ها می‌توانند به کودکان کمک کنند تا اهمیت محدودیت‌ها و اقدامات ایمنی را درک کنند، و آن‌ها را برای داشتن رفتارهای ایمن در زندگی تشویق کنند:

در داستان «چُل‌پُتِق»، که درباره پُتری کوچک و زبروزرنگ به نام چل‌پتق است، ماجرای اعتماد نکردن به غریبه‌ها و شناسایی خطرات احتمالی دوباره تکرار می‌شود. چل‌پتق و دوستانش برای جمع کردن هیزم به جنگل می‌روند. اما بچه‌ها بازیگوشی می‌کنند و شب از راه می‌رسد.

به دلیل تاریکی هوا آن‌ها راه خود را گم می‌کنند. وقتی به کلبه‌ای می‌رسند، یکی از بچه‌ها می‌گوید: «ما راه را گم کرده‌ایم. هر قدر بیشتر برویم، بدتر است و ممکن است حیوانات ما را بخورند. بهتر است شب را اینجا بمانیم.» اما چل‌پیق می‌گوید: «ما که صاحب این کلبه را نمی‌شناسیم»، «باید خیلی مواظب باشیم.» صاحب کلبه پیرمردی جادوگر است و قصد دارد تا همه بچه‌ها را بخورد. چل‌پیق به او شک می‌کند و به بچه‌ها می‌گوید: «بیاید تا صبح، نوبتی بیدار بمانیم. من به این پیرمرد شک دارم. احتیاط کردن که ضرری ندارد.» اما کسی حرف او را قبول نمی‌کند و خودش با تمام خستگی بیدار می‌ماند و از نقشه پیرمرد با خبر می‌شود. بعد از آن، او بچه‌ها را بیدار می‌کند و همه با هم از آن کلبه فرار می‌کنند (همان: ۷۴۸).

ترس از گم شدن یا ترسی که در زمان گم شدن در کودک ایجاد می‌شود، بسیار شایع است. کودک در چنین موقعیت‌هایی دچار اضطراب، آشفتگی و بی‌قراری می‌شود و از آنجایی که کاملاً خود را بی‌پناه و تنها احساس می‌کند، عملکرد لازم را برای حل مسئله از دست می‌دهد. شنیدن داستان‌هایی که در آن به علل گم شدن و چگونگی حل این مشکل می‌پردازند می‌تواند اطلاعات لازم را در موقعیت‌هایی شبیه‌سازی شده برای کودک به ارمغان آورد.

۳-۴. نیازهای عشق و تعلق خاطر

اگر هر دو نیاز فیزیولوژیک و ایمنی نسبتاً خوب ارضا شوند، آنگاه نیازهای عشق و محبت و تعلق پدیدار خواهند شد. اکنون شخص برخلاف گذشته، به شدت، غیاب دوستان، معشوق، همسر و یا فرزندان را احساس خواهد کرد. او تشنه روابط عاطفی با مردم، به طور کلی، یعنی داشتن جایگاهی در گروه یا خانواده‌اش، خواهد بود و با شدت هرچه تمام‌تر خواهد کوشید تا به این هدف دست یابد و حتی ممکن است فراموش کند که روزگاری، در هنگام گرسنگی، عشق را به این عنوان که غیر واقعی یا غیر ضروری یا بی‌اهمیت بوده به تمسخر گرفته است. حالا او به شدت درد تنهایی، انزوا، مطرود بودن، نداشتن دوست و نداشتن ریشه در جامعه را احساس خواهد کرد (مزلو، ۱۳۷۵: ۸۰).

دوست داشتن و دوست داشته شدن و مورد محبت قرار گرفتن از نیازهای مسلم هر انسان است و این نیاز در کودکان و نوجوانان کاملاً محسوس است. اگر فرصت محبت کردن برای آنان فراهم شود، نه تنها توانایی جلب توجه دیگران را خواهند داشت، بلکه ایجاد فرصت برای اینکه دیگران آنان را دوست داشته باشند و به آنان توجه کنند نیز به وجود خواهد آمد (پریرخ،

۱۳۸۲: ۴۴). تمام انسان‌ها از هر قشر که باشند دارای این نیاز عاطفی هستند. اما همه آن‌ها این توانایی را ندارند که به دیگران محبت کنند، یا محبت آنان را به خود جلب کنند. این نقص ممکن است ریشه در محدودیت آنان از محبت کافی در دوران کودکی داشته باشد. این امر مشکلات فراوانی را در آینده برای آن‌ها خواهد داشت. یکی از راه‌های ارضای این نیاز و فراهم کردن امکان چشیدن طعم شیرین محبت کردن و مورد محبت قرار گرفتن، استفاده از داستان‌هایی است که رنگ‌وبوی عاطفی دارند.

در این مجموعه ما شاهد روابط عاطفی فراوانی هستیم که طی آن، شخص مورد نظر، احساس ارزش، مثمرتر بودن، امنیت و آرامش می‌کند که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

۴-۳-۱. مورد پذیرش گروه بودن

قصه «سگ عجیب» درباره زندگی یک سگ خال‌خالی است که در دشتی بزرگ با چند سگ روبه‌رو می‌شود. سگ خال‌خالی خیلی دلش می‌خواست تا با آن‌ها دوست شود، بازی کند و این طرف و آن طرف برود. اما سگ‌ها که تا آن زمان هیچ نوع سگ خال‌خالی ندیده بودند، از او می‌ترسند. سگ سیاه می‌گوید: «زود از اینجا برو! از ما دور شو! وگرنه ما را هم مریض می‌کنی!» سگ خال‌خالی چند بار دیگر هم سعی می‌کند جلو برود و برایشان توضیح بدهد. اما آن‌ها با خشونت او را از خودشان دور می‌کنند. تا اینکه یک سگ گله به همراه گوسفندان به آن نزدیکی‌ها می‌آید. او کنار سگ خال‌خالی می‌رود و از او می‌پرسد: «چه شده است سگ خال‌خالی؟ چرا این‌قدر ناراحتی؟» خال‌خالی همه چیز را برایش تعریف می‌کند. سگ گله می‌گوید: «ناراحت نباش من قبلاً در ده سگ‌هایی مثل تو دیده‌ام.» او بلند می‌شود و می‌رود تا با سگ‌های دشت صحبت کند و آن‌ها را متقاعد می‌کند که سگ خال‌خالی مریض نیست. سگ‌ها خجول از کار خود، از سگ خال‌خالی عذرخواهی می‌کنند (شیخی، ۱۳۸۶: ۳۶۲).

داستان «موش کوکی و گربه چاقالو» هم، درباره یک موش کوکی است که موقع اسباب‌کشی در یک خانه جا مانده بود. موش کوکی هر شب موش‌های خانه را با حسرت نگاه می‌کرد و از آن‌ها می‌خواست تا او را هم بازی دهند. موش خاکستری بزرگ، با تندى، جواب می‌داد: «تو یک موش مسخره‌ای؟ نمی‌توانی با ما بازی کنی!» موش کوکی خیلی ناراحت بود. دلش می‌خواست یک موش واقعی می‌بود و می‌توانست با آن‌ها قایم‌باشک بازی کند. در آن خانه یک

گریه چاق و پشمالو هم بود که موش‌ها را اذیت می‌کرد و آن‌ها را می‌خورد. یک شب که تولد موش خاکستری بود، موش‌ها بعد از اینکه چاقالو از خانه رفت، برای او جشن گرفتند. آن‌ها آواز می‌خواندند و بازی می‌کردند. ناگهان، چاقالو وارد شد. همه فرار کردند. با اینکه موش‌ها موش‌کوکی را به بازی خود راه نداده بودند و او را طرد کرده بودند، موش‌کوکی به کمک آن‌ها می‌رود و وقتی گربه می‌خواهد آن را بخورد دندان‌ش می‌شکند و از آنجا می‌رود. در این هنگام، موش خاکستری بزرگ فریاد می‌زند: «آفرین به تو ای موش‌کوکی، شجاع‌ترین موش دنیا!» بعد هم همه با هم جشن را ادامه می‌دهند (همان: ۵۶۴).

در این داستان‌ها علاوه بر اینکه شخصیت داستان می‌خواهد مورد پذیرش گروه قرار بگیرد، ما می‌توانیم با صفت‌هایی چون همدلی، مهربانی، گذشت، پذیرش اشتباه و عذرخواهی کردن هم آشنا شویم.

۲-۳-۴. کمک کردن و نوع دوستی

در داستان «دردسر عمونوروز»، می‌بینیم که فصل بهار رسیده است. ولی عمو نوروز به این دلیل که اسب‌هایش مریض شده بودند و نمی‌توانستند درشکه‌اش را بکشند، هنوز در خانه‌اش مانده بود. او نمی‌دانست چه کار کند. ماه را دید و از او کمک خواست. ماه در آسمان به راه افتاد و به باد گفت: «ای باد پر قدرت! تو می‌توانی به عمونوروز کمک کنی؟» باد قبول کرد. او آمد و عمو نوروز را با خود برد. عمونوروز روی دشت‌ها و خانه‌ها و مزرعه‌ها حرکت می‌کرد، هوای بهاری پخش می‌کرد و تخم گل و گیاه می‌پاشید. کم‌کم همه‌جا بوی بهار می‌گرفت. عمونوروز بسیار خوشحال بود، چون آن سال هم کارش را مثل هر سال به‌خوبی انجام داده بود. او از باد تشکر کرد و به خانه‌اش برگشت (همان: ۴۷۱).

داستان «چلچله و کاج»، درباره‌ی یک خانم چلچله است که دوستانش به مناطق گرمسیر مهاجرت کرده‌اند و او بسیار ناراحت است. چون بالش زخمی شده و نمی‌تواند با آن‌ها برود. او به دنبال پناهگاهی برای خودش می‌گردد. اما درخت‌ها هیچ‌کدام قبول نمی‌کنند که خانم چلچله در آن‌ها لانه بسازد. خانم چلچله با ناراحتی می‌گوید: «این درخت‌ها چقدر نامهربانند.» تا اینکه به یک درخت کاج بلند سبزی می‌رسد که تنها، وسط دشتی ایستاده است. چلچله که خیلی خسته است و بالش درد می‌کند با ناامیدی جلو می‌رود و می‌گوید: «ای کاج بلند و سبز، می‌گذاری زمستان را نزد تو بمانم؟ نمی‌دانی چقدر خسته‌ام!» درخت با مهربانی به چلچله نگاه

می‌کند و می‌گوید: «البته که می‌گذارم. من هم اینجا تنها هستم. خیلی دلم می‌خواهد در زمستان طولانی یک دوست داشته باشم.» چلچله روی یکی از شاخه‌ها برای خودش لانه می‌سازد و آن‌ها دوست‌های خوبی برای هم می‌شوند (همان: ۲۴۴).

۳-۳-۴. دوست داشتن و دوست داشته شدن

داستان «قرمزی»، درباره یک عروسک کوچک پلاستیکی قرمز است که در یک مغازه اسباب‌بازی فروشی زندگی می‌کند. اما هیچ‌کدام از بچه‌هایی که برای خرید عروسک می‌آیند، او را انتخاب نمی‌کنند. برای همین او غمگین است. قرمزی با خودش می‌گوید: «چقدر دلم می‌خواهد من هم پیش بچه‌ها باشم و بازی کنم.» یک روز صبح مغازه‌دار برچسب قیمت قرمزی را کند و قیمت آن را نصف کرد، تا شاید قیمت پایین نظر کسی را جلب کند. بعد از چند روز، زنی تپل و خنده‌رو وارد مغازه شد و قرمزی را خرید. قرمزی خیلی خوشحال شد. با خود گفت: «فکر می‌کنم مرا برای دخترش خریده است» اما زن روسری آبی قرمزی را با خود به یک بیمارستان کودکان می‌برد. او قرمزی را به بچه‌ها نشان می‌دهد و به آن‌ها می‌گوید که برایشان یک دوست تازه آورده است. بچه‌ها دور او جمع می‌شوند و خیلی زود با قرمزی دوست می‌شوند. قرمزی دیگر خوشحال است. او هر روز دوست‌های جدیدی پیدا می‌کند. از اینکه در بیمارستان زندگی می‌کند راضی است. چون فکر می‌کند بچه‌ها او را دوست دارند و او هم به آن‌ها کمک می‌کند تا زودتر خوب شوند (همان: ۱۸۷).

داستان «تک‌بال و خانم خرگوشه» درباره جوجه پرستویی است که فقط یک بال دارد و چون نمی‌تواند پرواز کند دیگر پرستوها او را می‌گذارند و به جای گرم‌تری می‌روند. تک‌بال خیلی تنها می‌ماند و غصه می‌خورد. او نزد حیوانات جنگل می‌رود تا اگر اجازه بدهند با آن‌ها زندگی کند. حیوانات می‌گویند چون تو فایده‌ای برای ما نداری، نمی‌توانیم بگذاریم که با ما زندگی کنی. تک‌بال خیلی ناراحت می‌شود و گریه می‌کند. درنهایت، از یک خانم خرگوش می‌خواهد که زمستان را با او زندگی کند. خانم خرگوشه می‌گوید: «من هم مثل تو هستم! تو یک بال نداری و من یک دست!... ولی هیچ‌وقت مثل تو آه‌وناله نکردم.... خودم غذا پیدا کردم! حتی به دیگران هم کمک کردم و می‌کنم!» تک‌بال خجالت می‌کشد، اما خرگوش با مهربانی به او یاد می‌دهد که چگونه با یک بال پرواز کند و زندگی راحت‌تری داشته باشد (همان: ۳۹۰).

مطالعهٔ چنین داستان‌هایی که در آن‌ها روابط عاطفی ایجادشده بین شخصیت‌های اصلی داستان می‌تواند برای کودکان تداعی‌کنندهٔ تجربه‌های واقعی زندگی‌شان باشد، مهربانی و همدلی را در آن‌ها نهادینه خواهد کرد. درمجموع می‌توان گفت که بخشی از روابط اخلاقی، شامل ابراز محبت، مهربانی و نوع دوستی، را که ناشی از کمبود باشد، می‌توان به این بخش از هرم نیازها ربط داد.

۴-۴. نیاز به احترام

به باور مزلو «همهٔ افراد جامعهٔ ما (به جز برخی از بیماران) به یک ارزشیابی ثابت و استوار و معمولاً عالی از خودشان، به احترام به خود، عزت نفس یا به احترام از سوی دیگران تمایل نیاز دارند. بنابراین، این نیازها را می‌توان در دو مجموعهٔ فرعی طبقه‌بندی کرد. اول اینکه این‌ها عبارت‌اند از تمایل به قدرت، موفقیت، کفایت، سیادت، شایستگی، اعتماد در رویارویی با جهان، و استقلال و آزادی. درثانی، چیزی در ما هست که می‌توانیم آن را تمایل به اعتبار یا حیثیت (که آن را احترام دیگران نسبت به خودمان می‌شود تعریف کرد)، مقام، شهرت و افتخار، برتری، معروفیت، توجه، اهمیت، حرمت و یا تحسین، بنامیم» (مزلو، ۱۳۷۵: ۸۲). ارضای این دسته از نیازها به احساساتی از قبیل اعتماد به نفس، ارزش، قدرت، لیاقت، کفایت، و مفید و مثمر‌تر بودن در جهان منتهی خواهد شد. اما بی‌اعتنایی به این نیازها موجب احساساتی از قبیل حقارت، ضعف و درماندگی می‌شود. این احساسات به نوبهٔ خود یا به وجود آورندهٔ دل‌سردی و یأس اساسی خواهند شد و یا اینکه گرایش‌های روان‌نژندانه یا جبرانی را به وجود خواهد آورد (همان).

۴-۴-۱. احترام به خود (عزت نفس)

همان‌گونه که گفته شد، یکی از مؤلفه‌هایی که در این مرحله از نیازها پدیدار می‌شود، احترام به خود است؛ درحقیقت، انسان‌ها نیاز دارند با احساس حرمت نفس، برای خودشان ارزش و احترام قائل باشند. (شولتز، ۱۳۹۸: ۳۹۷).

داستان «سم طلا و روغن جادویی» دربارهٔ اسبی به نام سم طلا است. او یک اسب مسابقه است و همیشه می‌بازد. برای همین صاحبش تصمیم می‌گیرد که بعد از آخرین مسابقه او را بفروشد. سم طلا از این ماجرا بسیار ناراحت می‌شود و گریه می‌کند. موش کوچکی ناراحتی او را می‌بیند و به او می‌گوید: «ناراحت نباش من به تو کمک می‌کنم، در عوض تو هم به من اجازه

بده در اصطبل گرم و نرم تو زندگی کنم.» سم‌طلا قبول می‌کند. آقاموشه به گوشه اصطبل می‌رود و چیزهایی را با هم قاطی می‌کند و زیرلب وردی می‌خواند. بعد پیش سم‌طلا می‌آید و می‌گوید این روغن جادویی است. پاهای تو را قوی می‌کند. تو حتماً در مسابقه فردا برنده خواهی شد. تلاشت را بکن، روغن هم کار خودش را انجام خواهد داد. فردای آن روز سم‌طلا در مسابقه شرکت می‌کند و مسابقه را می‌برد. موقع برگشت او با غرور برای آقاموشه تعریف می‌کند که برنده شده است و از آقاموشه تشکر می‌کند و می‌گوید: «وای چه روغنی! از این به بعد همیشه قبل از مسابقه آن روغن جادویی را به پاهای من بمال!» اما موش جواب می‌دهد: «این روغن، جادویی نبود... این کار خودت بود، نه روغن جادویی! پس از این به بعد هم می‌توانی برنده شوی!» (همان: ۵۱۸).

خواندن داستان‌هایی که به احساس مثمرتر کودکان منجر می‌شود، به‌خصوص در مواردی که کودک را تشویق به تمرین و انجام آزمایش‌ها و مهارت‌های فیزیکی می‌کند، به دلیل تقویت خودباوری و عزت‌نفس و حضور مؤثر در اجتماع در پاسخگویی به نیازهای مربوط به احترام به خود بسیار مؤثر است.

در این کتاب، داستان‌هایی که تأکیدشان بر احترام گذاشتن به خواست و انتخاب شخصیت‌های داستان است بسامد زیادی دارد. برای مثال: در داستان «لاک‌پشت دونده!»، لاک‌پشت کوچولویی است که آرزو دارد قهرمان دوی سرعت شود. بابا لاک‌پشت خیلی تعجب می‌کند و می‌گوید: «من فکر نمی‌کنم که تو در دوی سرعت خیلی موفق شوی». اما لاک‌پشت می‌گوید این آرزوی من است. پدر او را به باشگاه ورزشی می‌برد. آقاخرگوشه که مربی باشگاه است، می‌گوید: هر روز بیاید و تمرین کند ببینیم چقدر پیشرفت دارد. هزینه باشگاه هم سه تا هویج است. از آن روز به بعد لاک‌پشت کوچولو هر روز به باشگاه می‌رود و تمرین می‌کند. اما هر چقدر هم که تمرین می‌کند، نمی‌تواند مانند دیگران بدود. بالاخره یک روز او ناامید می‌شود و با غصه می‌گوید: آقاخرگوشه من از فردا دیگر نمی‌آیم، چون هر چقدر هم تمرین می‌کنم، هیچ فایده‌ای ندارد. مربی دستی به سر لاک‌پشت کوچولو می‌کشد و به او دل‌داری می‌دهد که تمرین‌های تو بی‌فایده نبوده، تو ورزش دوومیدانی را یاد گرفتی. الآن پاهایت قوی شده و من برای تو فکری دارم. آقاخرگوشه به لاک‌پشت می‌گوید: «تو باید در یکی از رشته‌های دوی استقامت تمرین کنی. مطمئنم که در این رشته موفق می‌شوی. شاید هم یک روز قهرمان بزرگی شوی». لاک‌پشت خیلی خوشحال می‌شود و از

این فکر استقبال می‌کند. او آن شب ماجرا را برای پدرش تعریف می‌کند و به بابا لاک‌پشت می‌گوید: فردا می‌خواهم پنج تا هویج برای آقاخرگوشه ببرم (همان: ۵۳۱).

در این داستان، احترام گذاشتن به انتخاب یک کودک، برخلاف امکان‌پذیر نبودن آن نشان داده شده است. مربی می‌خواهد خود لاک‌پشت کوچولو به این نتیجه برسد که این کار برای او مناسب نیست، بعد با نشان دادن مسیر درست استعداد او را برایش معرفی می‌کند. لاک‌پشت از این ارزش‌گذاری و کشف استعداد خود بسیار خوشحال است، تصمیم می‌گیرد برای قدردانی به جای سه هویج، پنج هویج برای مربی ببرد.

کودکی را در نظر بگیرید که از خوبی فضیلت اخلاقی آگاه است و درست و غلط را تشخیص می‌دهد، اما اعتمادبه‌نفس کافی را برای انجام آن عمل اخلاقی ندارد. با ارضای نیاز به احترام و عزت‌نفس بخش گرایش‌های او فعال شده و با بالا رفتن اعتمادبه‌نفس و حس کفایت، انتخاب رفتار صحیح برای او ساده‌تر می‌شود. به‌نظر می‌رسد نیاز به احترام می‌تواند مقدمات انگیزشی را برای رفتارهای مثبت اخلاقی فراهم نماید.

۴-۲. مورد احترام واقع شدن

شکل دیگر نیاز به احترام، به‌صورت مورد احترام واقع شدن از سوی دیگران جلوه‌گر می‌شود؛ درحقیقت، این نیاز به دو شکل وجهه و عزت‌نفس خود را به نمایش می‌گذارد؛ «وجهه عبارت است از ادراک مقام، تأیید یا شهرتی که فرد از نظر دیگران کسب می‌کند، درحالی‌که عزت‌نفس احساسی است که فرد از ارزش و شایستگی خودش دارد» (فیست و فیست، ۱۳۹۰: ۵۹۵).

داستانی که بر کمک به دیگران و مفید بودن - که درنهایت به تأیید دیگران و احترام به خود می‌انجامد- تأکید دارد، داستان جاوید و دزدها است؛ جاوید و پدر پیرش در مزرعه‌ای زندگی می‌کردند و زندگی خوبی داشتند؛ تا اینکه پدر بیمار شد. جاوید شب و روز از پدرش مراقبت می‌کرد. او همه چیزش را فروخت تا خرج درمان پدرش کند ولی پیرمرد از دنیا رفت. پیرمرد در هنگام مرگ به پسرش گفت: «پسر جان! من که چیزی ندارم به تو بدهم. فقط دعای خیرم همیشه همراه توست.» جاوید از مرگ پدرش خیلی ناراحت شد و چون چیزی نداشت با تنها باقی‌مانده خانه که یک طبل بود راهی شهری دیگر شد. شب فرارسید و او تصمیم گرفت در یک آسیاب استراحت کند. ناگهان چند حیوان وحشی هم برای استراحت به آنجا آمدند. جاوید ترسیده بود و نمی‌دانست چه کار کند. در این هنگام گروهی از دزدها هم آمدند تا در آنجا

استراحت کنند. رئیس دزدها گفت: «عجب کاروان بزرگی بود! خوب غافلگیرشان کردیم.» جاوید، پس از فهمیدن این مطلب که آن‌ها گروهی دزد هستند که به کاروانی حمله کرده‌اند، تصمیم گرفت که آن‌ها را ادب کند.

او با کمک طبل حیوانات را بیدار کرد: «حیوانات از خواب بیدار شدند و به جنب‌وجوش افتادند. دزدها هم صدای طبل را شنیدند. به یکدیگر نگاه کردند و با تعجب گفتند: «این چه صدایی است؟ بروین ببینیم چه خبر است! شاید پولی گیرمان بیاید!» همه شمشیرهایشان را برداشتند، جلو رفتند و در آسیاب را باز کردند. حیوانات که از صدای طبل ترسیده بودند و می‌خواستند از آنجا فرار کنند، همین که در باز شد، غرش‌کنان بیرون آمدند و از آنجا گریختند. در این موقع جاوید از روی بام پایین آمد و فریاد زد: «ای احمق‌ها! می‌دانید چه کار کردید؟ این‌ها لشکر مخصوص پادشاه بودند که من مأمور آموزششان بودم. اگر پادشاه بفهمد که شما آن‌ها را فراری داده‌اید، هر جایی که باشید پیدایتان می‌کند و فوری گردنتان را می‌زند».

دزدها ترسیدند و گفتند: «حالا باید چکار کنیم؟» جاوید گفت: «باید بروید و پیدایشان کنید و آن‌ها را برگردانید. الان سپاه پادشاه به اینجا می‌رسد... عجله کنید!» دزدها هر کدام ریسمانی برداشتند و به سرعت به جنگل دویدند» (شیخی، ۱۳۸۶: ۲۲۶).

دزدها رفتند و تمام سکه‌ها را جا گذاشتند. جاوید با خیال راحت سکه‌ها را برداشت. خودش را به کاروان رساند و آن‌ها را پس داد. کاروان سالار هم برای پاداش صد سکه طلا به او داد و از او خواست در کاروان بماند و جزو نگهبانان باشد (همان).

در داستان مذکور، خواننده ابتدا با پسر مهربانی که از پدر پیرش مراقبت می‌کند آشنا می‌شود؛ سپس زیرکی پسرک در مرعوب‌سازی دزدان مورد توجه مخاطب قرار می‌گیرد و در پایان صداقت رفتار قهرمان داستان در بازگرداندن سکه‌ها به صاحبان اصلی‌اش. به این ترتیب کودک ضمن همذات‌پنداری با قهرمان داستان در چالش‌های اخلاقی و دوراهی‌های تصمیم‌گیری با او شریک می‌شود. جاوید با انتخاب رفتار درست و انجام کارهای مفید و مثمرتر، در نظر دیگران فردی محترم و قابل احترام و دارای ارزش‌های اخلاقی مثبت جلوه‌گر می‌شود. این گونه احترام مهم‌ترین شکل احترام از منظر مزلو است؛ چراکه به باور او سالم‌ترین حرمت به نفس، مبتنی است بر احترام استحقاقی از سوی دیگران و نه شهرت ظاهری و تمجید بی‌موردی که از سوی افراد ابراز می‌شود.

نتیجه

آبراهام مزلو اساس نظریه هرم نیازهای خود را بر این فرض می‌نهد که هر کدام از ما یک ماهیت درونی دارد که خوب یا حداقل خنثی است. او استدلال می‌کند که چون این ماهیت درونی خوب یا خنثی است، بهتر است تقویت شود. در مکتب روان‌شناسی انسان‌گرایانه مزلو، خودشکوفایی به‌عنوان اوج و رأس هرم نیازهای بنیادین انسان مطرح است و می‌توان این‌گونه بیان کرد که دیگر نیازها مقدماتی جهت رسیدن آدمی به این مرحله هستند و فرد نمی‌تواند به خودشکوفایی برسد، مگر اینکه نیازهای دیگر نسبتاً تأمین شوند. از نظر او تعلیم و تربیت باید در بستری رشد محور به جلو برده شود تا به هدف نهایی انسان که شکوفایی بالاترین توانایی‌های بالقوه ذاتی و روحی اوست برسد. یکی از نکات برجسته دیدگاه مزلو این است که با کودکان به‌عنوان یک انسان کامل رفتار می‌شود و این‌طور نیست که آن‌ها را به‌شکل ربات ببینند. مواردی که مزلو بر آن‌ها تأکید دارد را می‌توان به واسطه جهان قصه و داستان به بهترین شکل به کودکان آموخت؛ ازجمله آثار ادبی که برای القا و تعلیم شخصیت دانش‌آموزان و کودکان در سنین کمتر مناسب هستند، قصه‌ها و داستان‌هایی است که برای کودکان نوشته می‌شود. قصه‌ها و داستان‌های کودکانه‌ای مانند کتاب ۳۶۵ قصه برای شب‌های سال، نه تنها سرگرمی ایجاد می‌کنند، بلکه فرصت‌هایی برای یادگیری و رشد فراهم می‌آورند. به بیانی دیگر، این‌گونه کتاب‌ها می‌توانند به‌عنوان یک ابزار آموزشی، تأثیری عمیق بر روی نگرش، افکار و رشد شخصیتی کودکان داشته باشند و با به تصویر کشیدن نیازهای مختلفی که در هرم نیازهای مزلو قرار دارند و تلاشی که برای عبور از آن‌ها در این قصه‌ها صورت می‌گیرد، قادرند به کودکان برای رسیدن به شکوفایی شخصیت کمک کنند.

منابع و مأخذ:

- امین دهقان، نسرين؛ پریخ، مهری (۱۳۸۲). «تحلیل محتوای کتاب‌های داستانی مناسب کودکان در گروه سنی «ب» با رویکرد کتاب‌درمانی»، *کتابداری و اطلاع‌رسانی*، ش ۴، ص ۵۱-۱۹.
- پریخ، مهری (۱۳۸۲). «نقش ادبیات کودکان و نوجوانان در پاسخگویی به نیازهای آنان»، *کتابداری و اطلاع‌رسانی*، دوره ۶، شماره ۳، صص ۴۲-۵۰.

- حیدری، حسین؛ کاردوست فینی، خدیجه (۱۳۹۲). بررسی تطبیقی دیدگاه‌های انسان‌شناسی مزلو و مولوی با تاکید بر خود شکوفایی، *پژوهش نامه عرفان*، شماره ۹، ص ۲۹-۶۰.
- رشتچی، مژگان (۱۳۸۹). «ادبیات داستانی کودکان و نقش آن در رشد تفکر». *تفکر و کودک* - *پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*. ش ۲. ص ۲۳-۳۷.
- شولتز، دوان (۱۳۶۹). *روانشناسی کمال*، ترجمه گیتی خوشدل، تهران: نشر نو.
- شولتز، دوان پی؛ شولتز، سیدنی الن (۱۳۹۷). *تاریخ روانشناسی نوین*، ترجمه علی اکبر سیف و دیگران، تهران: دوران.
- _____ (۱۳۹۸). *نظریه‌های شخصیت*، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران: ویرایش.
- شیخی، مژگان (۱۳۸۶). *۳۶۵ قصه برای شب‌های سال*، تهران: قدیانی، کتاب‌های بنگشه.
- فیست، جس؛ فیست، گریگوری جی (۱۳۹۰). *نظریه‌های شخصیت*، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران: روان.
- کرمی، یوسف (۱۳۹۶). *روانشناسی شخصیت*، تهران: ویرایش.
- مزلو، آبراهام اچ (۱۳۷۵). *انگیزش و شخصیت*، ترجمه‌ی احمد رضوانی، مشهد: آستان قدس رضوی.
- _____ (۱۳۹۸). *زندگی در اینجا و اکنون*، چاپ اول، ترجمه‌ی مهین میلانی، تهران: فراروان.
- _____ (۱۳۷۴). *افق‌های والاتر فطرت انسان*، ترجمه‌ی احمد رضوانی، مشهد: آستان قدس رضوی.
- Herwiana, Sakhi (2022). "Maslow's theory on building character education thorough children's literature". *Journal Ilmiah Wahana Pendidikan*, 352-359.
- Maslow, A. (1962). *Toward a psychology of being*. D. Van Nostrand Company.

Refrence

- Amin Dehghan, N., & Parirokh, M. (2003). "Content analysis of appropriate children's story books in age group "B" with a bibliotherapy approach". Library and Information Science, 4, 19–51.
- Fist, J., & Fist, G. G. (2011). "Personality theories" (Y. SeyedMohammadi, Trans.). Ravan.
- Heidari, H., & Kardoust Fini, Kh. (2013). "Comparative analysis of Maslow's and Molavi's humanistic perspectives with an emphasis on self-actualization". Mysticism Research Journal, 9, 29–60.
- Herwiana, S. (2022). "Maslow's theory on building character education through children's literature." Journal Ilmiah Wahana Pendidikan, 352–359.
- Karami, Y. (2017). "Personality psychology" . Virayesh.
- Maslow, A. (1962). "Toward a psychology of being" . D. Van Nostrand Company.
- Maslow, A. H. (1996). "Motivation and personality" (A. Rezvani, Trans.). Astan Quds Razavi.
- Maslow, A. H. (1996). "Higher horizons of human nature" (A. Rezvani, Trans.) (1995). Astan Quds Razavi.
- Maslow, A. H. (1996) "Living here and now" (1st ed.; M. Milani, Trans.) (2019). Fararavan.
- Parirokh, M. (2003). "The role of children's and adolescents' literature in addressing their needs" . Library and Information Science, 6(3), 42–50.
- Reshtchi, M. (2010). "Children's story literature and its role in the development of thinking" . Thinking and Child: Research Institute of Humanities and Cultural Studies, 2, 23–37.
- Schultz, D. (1990). "Psychology of perfection" (G. Khoshdel, Trans.). Nashr-e Now.
- Schultz, D. P., & Schultz, S. N. (2018). "History of modern psychology" (A. A. Saif et al., Trans.). Douran.
- Schultz, D. P., & Schultz, S. N. (2018). " Personality theories" (Y. SeyedMohammadi, Trans.) (2019). Virayesh.
- Sheikhi, M. (2007). "365 tales for the nights of the year" . Qadyani; Banafsheh Books.